

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز  
دوره بیست و سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۵ (پیاپی ۴۶)  
(ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان شناسی)

توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی

شهرام گرامی\*

مرکز آموزش عالی فنی مهندسی شهید باهنر شیراز

چکیده

گویش بهبهانی، گویش قدیمی و غالب مردم این شهر می‌باشد و از جمله گروه زبان‌های ایرانی جنوب غربی محسوب می‌شود. این مقاله بطور کلی به توصیف دستگاه فعل و نقش و جای قرار گرفتن شناسه‌های فعلی، ضمائر پیوسته‌ی شخصی و روابط آنها در این گویش می‌پردازد. لازم یا متعدی بودن افعال در زمان‌های دستوری حال و گذشته، دو الگوی متفاوت دستوری را برای صرف افعال از لحاظ شناسه‌های فعلی، وندها یا ضمائر شخصی پیوسته و حتی ضمائر فاعلی جدا ارائه می‌دهد. الگوی اول شامل افعال لازم (ساخت حال و گذشته) و متعدی (ساخت حال) می‌شود که در صرف آنها در ساخت‌های مورد نظر، از الگوی دستوری مشترکی پیروی می‌کنند. الگوی دوم شامل افعال متعدی در ساخت‌های گذشته می‌شود. بر خلاف الگوی اول در صرف این افعال، شناسه‌ها، ضمائر پیوسته شخصی و ضمائر فاعلی جدای ویژه‌ای به کار برده می‌شود. این ویژگی باعث شده است که گویش بهبهانی از جمله گویش‌های "ارگتیو" به شمار آید.

واژه‌های کلیدی: ۱. دستگاه فعل ۲. گویش بهبهانی ۳. شناسه‌های فعلی

۱. نشانه‌های آوانویسی

۱.۱. صامت‌ها

صامت‌ها	معادل فارسی	مثال بهبهانی	معادل فارسی
p	پ	perig	پریروز
b	ب	bongu	بادمجان
t	ت-ط	titenay	نیشکون
d	د	doteray	دختر
k	ک	kola	کلاه
g	گ	gore toroq	آسمان غرنبه
q	ق	qelam	قلم
?	همزه (ء-غ)	me?alem	معلم
f	ف	fâta	فاتحه
v	و	vessan	آبستن
s	ث-س-ص	sob	صبح
z	ذ-ز-ض-ظ	ze	زن

\* کارشناس ارشد

š	ش	širpelâ	آبکش
ž	ژ	dež	دژ
x	خ	xi	خون
ɣ	غ	ɣatsa	بی حال
h	ه-ح	hoyne	بگذارش
ts	چ	tsâs	ناهار
dz	ج	dzume	جامه
m	م	mo:dzema	سینی
n	ن	nu	نان
l	ل	letsay	روسی
r	ر	ru	رودخانه
ow	و عربی	dzow	جو
y	ی	yak	یک

نکته: در این گویش مخرج تولید صامت‌های [dz/ts]، در تمام بافت‌های آوایی، "دندانی- لثوی" می‌باشد.

#### ۱.۲. مصوت‌ها

مصوت‌ها	معادل فارسی	مثال بهبهانی	معادل فارسی
i	ای	issa	الان
e	ـِ	eyna	آینه
a	ـَ	aftow	آفتاب
u	او	undza	آنجا
o	ـُ	ošu	آنها
â	آ	âsamu	آسمان
a:	کشیده ـِ	ma:re	می‌آورد
e:	ـِ کشیده	ne:ve	نیاورد
o:	ـُ کشیده	xo:li	خالی

#### ۱.۳. نشانه‌های دیگر

: کشش مصوت، / گونه یا فاصله میان دو پاره گفتار، - مرز تکواژ یا صامت میانجی، Ø تکواژ صفر، [ ] آوانویسی، ( )

عنصر درون آن اختیاری است یا تاکید را نشان می‌دهد.

بهبهان<sup>۱</sup> با مساحت ۳۱۹۵ کیلومتر مربع، بین ۴۹ درجه و ۴۸ دقیقه تا ۵۰ درجه ۳۵ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و بین ۳۰ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی از خط استوا، در جنوب شرقی استان خوزستان واقع شده است. بر اساس آخرین سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت این شهرستان حدود ۱۶۳۰۳۲ نفر بوده است که از این تعداد حدود ۸۸۲۱۳ نفر در شهر بهبهان ساکن بوده‌اند. آغاچاری، زیدون و بخش مرکزی، بخش‌های بهبهان را تشکیل می‌دهند. اعتقاد بر این است که در روزگار ساسانیان، شهری به نام ارجان در ۱۲ کیلومتری شمال بهبهان فعلی به وسیله‌ی قباد فیروز بنا گردید ولی ساکنان آن پس از ویرانی به بهبهان نقل مکان کرده‌اند. تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون هیچ‌گونه تلاشی برای معرفی گویش بهبهانی صورت نگرفته است. امید است مقاله‌ی حاضر، با وجود نقص احتمالی آن، آخرین گام نباشد و در این زمینه تحقیقات بیشتری صورت پذیرد. مواد خام نوشته‌ی حاضر از چند گویشور بومی ساکن بهبهان جمع آوری شده است.

## ۲. ویژگی ارگتیو (Ergativity)<sup>۲</sup>

ارگتیو اصطلاحی است که در زبان‌شناسی نوین و به ویژه رده‌شناسی زبان (language typology) به کار می‌رود. این ویژگی، حالتی است دستوری که مخصوص فاعل فعل متعدی می‌باشد و معمولاً در زبان‌هایی یافت می‌شود که قدیمی‌ترند و دست نخورده باقی مانده‌اند. رده‌شناسان زبان، زبان‌ها را از نظر نشانه‌های فاعلی و مفعولی به چندین دسته تقسیم کرده‌اند<sup>۳</sup> که از این میان، گویش بهبهانی، مخلوطی از نظام خنثی و ارگتیو-مطلق می‌باشد. در نظام خنثی، فاعل فعل لازم و متعدی صورت یکسانی با مفعول دارند، وقتی که فاعل و مفعول هر دو اسم یا ضمیر باشند، فعل از نظر شخص، عدد همیشه با فاعل مطابقت می‌کند. این ویژگی در الگوی اول افعال این گویش (نگا. ۱-۱۰-۱) یعنی افعال لازم و متعدی در ساخت‌های حال اخباری، حال التزامی و افعال لازم در ساخت گذشته مشاهده می‌شود. در نظام ارگتیو-مطلق، فاعل فعل لازم و متعدی دارای صورت‌های متفاوتند، فاعل فعل لازم و مفعول فعل متعدی دارای صورت‌های یکسانند، فعل متعدی از نظر شخص، عدد با مفعول مطابقت می‌کند و فاعل فعل متعدی نشانه دار است (یا ارگتیو) و مفعول بدون نشانه (یا مطلق). در گویش بهبهانی این ویژگی در افعال متعدی زمان گذشته که از الگوی خاصی پیروی می‌کنند (نگا. ۱-۱۰-۲) نمود می‌یابد، با این تفاوت که فعل اغلب بدون شناسه و به شکل ستاک گذشته یا ستاک صفت مفعولی ظاهر می‌شود.

### ۲.۱. نظام خنثی (مطابق با الگوی اول افعال)

مثال اول:

۱. mi doter-ay ۲. me doter-ay me-bin-am

می‌آید دختر می‌بینم دختر را من

۳. doter-ay me mi-bi

می‌بیند مرا دختر

مثال دوم:

۱. u mit- i ۲. me u dus me-dâram

می‌آید او دارم دوست او را من

۳. u me dus me-d r-e â

دارد دوست مرا او

آن گونه که ملاحظه می‌شود، فاعل فعل لازم و متعدی در جملات ۱ و ۳، صورت یکسانی با مفعول فعل متعدی در جمله ۲ دارند. البته فعل از لحاظ شخص و عدد با فاعل تطابق دارد.

### ۲.۲. نظام ارگتیو-مطلق (مطابق با الگوی دوم افعال)

۱. doter-ay ame: ۲. mem doter-ay dit

آمد دختر دید دختر را من

۳. doter-eke: me dit یا doter-eke: dit-am

مرا دید دختر دید مرا دختر

در مثال‌های فوق، فاعل جمله‌ی لازم ۱ مشابه مفعول جمله‌ی متعدی ۲ می‌باشد در صورتی که فاعل جمله‌ی متعدی ۳ دارای نشانه خاص (ergative) و متفاوت با فاعل فعل لازم می‌باشد.

### ۲.۳. توصیف دستگاه فعل

ساختمان فعل در این گویش از عناصر دستوری خاصی تشکیل می‌شود که به ترتیب به معرفی آنها خواهیم پرداخت.

## ۳. عناصر تشکیل دهنده‌ی گروه فعلی

عناصر تشکیل دهنده گروه‌های فعلی عبارتند از ستاک‌های فعلی، شناسه‌های فعلی، وندهای فاعلی پیوسته،

وندهای مفعولی پیوسته، پیشوندهای فعلی و افعال معین، شبه معین و کمکی.

### ۳.۱. ستاک‌های فعلی

ستاک‌های فعلی هسته گروه‌های فعلی را تشکیل می‌دهند و عبارتند از ستاک حال، ستاک گذشته و صفت

مفعولی

۳.۱.۱. ستاک حال: ستاک حال پس از حذف شناسه‌ها و پیشوندهای فعلی از زمان حال (اخباری و التزامی)

و فعل امر به دست می‌آید.

مصدر فارسی	ستاک حال	مثال	
خواندن	xun-	me-xun-e	حال اخباری
پوشیدن	puš-	be-puš-e:	حال التزامی
پریدن	per-	be-per-ø	امر

صرف فعل آمدن:

می‌آیم / mi-y-am / می‌آیی / mi-y-a / می‌آید / mi-ø یا mit-I / می‌آییم / me-y-im / می‌آیید / me-y-i

می‌آیند / me-y-en

شکل امر: بیاید / be-iy / بیا / bi-y-ow

فعل ایستادن در سوم شخص مفرد [ve:misek-e] می‌باشد. در شکل امر (دوم شخص مفرد)، صامت پایانی

حذف می‌شود و مصوت پایانی کشیده می‌شود: بایستید / vesay

همچنین ستاک فعل خریدن در زمان حال [-sen]، در سوم شخص مفرد به شکل [-sâ] و در صیغه مفرد فعل

امر به شکل [esâ] تلفظ می‌شود.

۳.۱.۲. ستاک گذشته: ستاک گذشته در افعال منظم با اضافه نمودن پسوندهای گذشته به ستاک حال ساخته

می‌شود.

مصدر فارسی	ستاک گذشته	پسوند گذشته ساز	ستاک حال
چیدن	tsi-d	d	tsi
افتادن	oftâ	â(d)	oft
بافتن	bâf-t	t	bâf
رسیدن	res-es	es	res
بریدن	bor-i	i(d)	bor

در صورتی که شناسه‌ی فعلی و یا نشانه‌ی صفت مفعولی در پایان ستاک گذشته‌ی فعل نمود یابد، صامت پایانی

[-d] ظاهر می‌شود.

در افعال نامنظم، با اضافه کردن پسوند گذشته ساز، ستاک حال دستخوش تغییراتی چون حذف، اضافه و یا

تبدیل آواها می‌شود:

مصدر فارسی	ستاک گذشته	ستاک حال
آمدن	ame:	t-
آوردن	âvord-	mar-
برخاستن	pobi-	pomb-
بردن	bord-	be:
خواستن	xâs-	t-
داشتن	bid-	hes-
دیدن	dit-	bi-
رفتن	ra-	š-

### ۳.۱.۳. ستاک صفت مفعولی: صفت مفعولی در ساخت زمان گذشته‌ی نقلی، گذشته‌ی بعید، گذشته‌ی التزامی

و ساخت مجهول به کار می‌رود. طرز ساخت صفت مفعولی به صورت زیر است:  
در افعال لازم بسیط، نشانه‌ی صفت مفعولی به صورت‌های [ -i ] و [ e ] در پایان ستاک گذشته فعل نمود می‌یابد. توزیع تکمیلی این دو تکواژگونه در پایان ستاک گذشته‌ی افعال لازم به قرار زیر است.

amed-i-yam	آمده‌ام	amed-e-yim	آمده‌ایم
amed-i-ya	آمده‌ای	amed-e-yi	آمده‌اید
amed-e-ø	آمده است	amed-i-yen	آمده‌اند

نشانه [ -i ] در پایان ستاک گذشته‌ی فعل، در اول شخص مفرد، دوم شخص مفرد و سوم شخص جمع و در بقیه‌ی صیغه‌ها، نشانه‌ی [ -e ] به کار می‌رود. در دیگر ساخت‌های دستوری، نشانه [ -e ] در پایان ستاک گذشته‌ی افعال لازم و متعدی به کار می‌رود. در ساخت گذشته‌ی بعید و گذشته‌ی التزامی، نشانه‌ی [ -e ] در پایان جزو اول فعل و در افعال مرکب، نشانه [ -e ] در پایان جزو دوم فعل مرکب اضافه می‌شود:

âvord-e-m bu bowzi-m kerd-e  
باش ام آورده کرده من بازی

### ۳.۲. ضمایر فاعلی جدا

از آنجایی که کاربرد ضمایر فوق با شکل دستوری فعل ارتباط دارد، ذکر این ضمایر در توصیف گروه فعلی، لازم به نظر می‌رسد. این ضمایر، با توجه به زمان دستوری و لازم یا متعدی بودن به گروه‌های زیر تقسیم می‌شوند:

#### ۳.۲.۱. ضمایر فاعلی جدا گروه اول: من / me / تو / te / او / u / ما / mâ / شما / šomâ / آنها / ošu

این ضمایر با افعال لازم و متعدی در زمان حال اخباری و افعال لازم در بقیه‌ی زمان‌های دستوری به کار برده می‌شوند: من رفتم me rat-am  
ضمایر فوق شبیه ضمایر مفعولی جدا نیز می‌باشند (نگا. ۱-۴).

#### ۳.۲.۲. ضمایر فاعلی جدا گروه دوم: من / mem / تو / tet / او / uš / ما / mâme / شما / šomâte / آنها / ošuşe

ضمایر فوق، فقط با افعال متعدی و در ساخت‌های دستوری گذشته به کار برده می‌شوند و از لحاظ شخص و شمار به فاعل فعل متعدی اشاره دارند. در صورت نمود این ضمایر، هیچگونه شناسه و یا وند فاعلی پیوسته در ستاک گذشته فعل متعدی و یا دیگر عناصر جمله، تظاهر نمی‌یابد:

mem gol âve  
آورد گل من

### ۳.۳. شناسه‌ها و وندهای فاعلی پیوسته

این وندها، با توجه به عامل زمان و لازم یا متعدی بودن فعل به گروه‌های زیر تقسیم می‌شوند:

#### ۳.۳.۱. شناسه‌های فاعلی گروه اول:

مفرد	جمع	شخص
-am	-im	اول
-a	-i	دوم
-e/-ø/-i/-u/e:	-en	سوم

این شناسه‌ها در پایان ستاک حال فعل‌های لازم و متعدی در زمان حال اخباری و ستاک گذشته‌ی فعل‌های لازم در بقیه‌ی زمان‌های دستوری اضافه می‌شوند: (من) می‌پریم (me) me-par-am  
شناسه‌های فوق، در پایان افعال معین، در ساخت مجهول نیز به کار می‌روند:

من با سواد شدم bid-am me bâsevâd-e

نکته: وند سوم شخص مفرد، به شکل‌های گوناگون نمود می‌یابد. در اغلب موارد به شکل [-e] در برخی فعل‌ها مثل توانستن، دیدن، خریدن، کردن و برخی فعل‌های کمکی در ساخت مجهول گذشته، به شکل تکواژ صفر [-∅] و در برخی از فعل‌های لازم در زمان حال اخباری، به شکل [-i] ظاهر می‌شود. همچنین وند سوم شخص مفرد در تعداد محدودی از فعل‌ها از جمله "رفتن" در زمان حال اخباری و "شدن" در ساخت مجهول حال اخباری به شکل [-u]، و در موارد محدودی به شکل [e:] با فعل‌های کمکی "خواستن" و "داشتن" ظاهر می‌شود.

می‌پرسد / me-pors-e / می‌تواند / mi-tu-∅ / با سواد شد / bāsevād-e bi-∅  
می‌بیند / mi-bi-∅ / می‌رود / mi-š-u / کشته می‌شود / košt-e vomb-u  
می‌رسد / meres-i / می‌خواهد / mi-t-e: / دارد / hes-e:

### ۲.۳.۳. شناسه‌های فاعلی گروه دوم

شخص	جمع	مفرد
اول	-mâ	-am
دوم	-tâ	-et
سوم	-šâ	-eš/e:/∅

این شناسه‌ها در صورتی به ستاک گذشته‌ی فعل‌های متعدی بسیط اضافه می‌شوند که این فعل‌ها بدون پیشوند، در شکل مثبت و به تنهایی، یعنی بدون پیشوند صرف شوند:

آوردم / âvord-am / آوردی / âvord-et / آورد / âvord-e: / آوردیم / âvor-mâ / آوردت / âvor-tâ / آوردش / âvor-šâ

### ۳.۳.۳. وندهای فاعلی پیوسته گروه سوم

شخص	جمع	مفرد
اول	-me	-am
دوم	-te	-et
سوم	-še	-eš/e:

وندهای فوق در اصل شناسه‌های فعلی نبوده‌اند و از لحاظ شخص و شمار به فاعل اشاره دارند. کاربرد آنها محدود به جملاتی است که دارای فعل متعدی در ساخت‌های دستوری گذشته باشند. این وندها در شکل مفرد، بعد از مصوت پایانی تکواژ، به شکل‌های [š/t/m] نمود می‌یابند. در صورت کاربرد ضمایر فاعلی جدا گروه دوم در جمله، وندهای فوق تظاهر نمی‌یابند. وندهای فوق در پایان عناصر زیر به کار می‌روند:

۱. پیشوند فعلی: نگفتی / na-t go
۲. مفعول مستقیم: گل آوردم / gol-am âve
۳. مفعول غیر مستقیم: به تو گل دادم / a-te-m gol dâ
۴. نشانه‌ی صفت مفعولی: گفته بودم / gofte-m bi
۵. قید: آن را آرام آوردم / yevâš-am âve
۶. جزو اول فعل مرکب: آن را بلند کردم / rās-am ke
۷. ستاک گذشته فعل بسیط متعدی، قبل از وندهای مفعولی پیوسته گروه اول: ما شماها را دیدیم / دیدیم وند مفعولی گروه اول + وند فاعلی گروه سوم + ستاک گذشته فعل / dit-me-n-i
۸. ضمایر مفعولی جدا: ترا دیدم / te-m di(t)
۹. برخی فعل‌ها یا پیشوندهای فعل‌های خاص: می‌خواهید بروید / mit-et beš-a / می‌ترسند / mi-še tersi

### ۴.۳.۳. شناسه‌های فاعلی گروه چهارم

شخص	جمع	مفرد
اول	-mâ	-men(di)
دوم	-tâ	-ten(di)

-šen(di)	-šâ	سوم
----------	-----	-----

این شناسه‌ها فقط به ستاک صفت مفعولی فعل متعدی در زمان گذشته‌ی نقلی اضافه می‌شوند، اگر فعل در شکل مثبت و به تنهایی صرف شود. (نگا. ۱-۱۰-۲) آورده‌ام *âvord-e-men*  
 شکل منفی: نیآورده‌ام *na-m âvord-e*

### ۳.۴. ضمایر مفعولی جدا

این ضمایر از لحاظ شکل، شبیه ضمایر فاعلی جدا گروه اول می‌باشند. در هر دو نقش مفعول مستقیم و غیرمستقیم با تمام افعال در ساخت‌های حال و گذشته به کار برده می‌شوند و در حالت غیر مستقیم با حروف اضافه همراه می‌شوند: مرا *me* / ترا *te* / او را *u* / ما را *mâ* / شما را *šomâ* / آنها را *ošu*  
 مثال: من ترا دیدم *mem te dit* یا *te-m dit*

دید ترا من / دید من ترا

در شکل مفعول غیر مستقیم: به من / از من *a-me*، برای من *se me*، نزد من *veley me*

### ۳.۵. وندهای مفعولی پیوسته

این وندها از لحاظ زمان و جایگاه دستوری در جمله، به دو گروه زیر تقسیم می‌شوند.

#### ۳.۵.۱. وندهای مفعولی پیوسته‌ی گروه اول

مفرد	جمع	شخص
-am	-im	اول
-a	-i	دوم
-e/∅	-en	سوم

وندهای زیر از لحاظ شخص و شمار به مفعول مستقیم اشاره دارند و با افعال متعدی، در ساخت‌های دستوری گذشته، از جمله گذشته‌ی نقلی نیز به کار برده می‌شوند. از لحاظ جایگاه دستوری، در پایان ستاک مفعولی و ستاک گذشته‌ی فعل، بعد از وندهای فاعلی پیوسته‌ی گروه سوم، و جزو دوم فعل مرکب به کار می‌روند. (نگا. جدول ۲-۲) مثال:

۱. وند مفعولی + ستاک گذشته جزو دوم فعل مرکب + وند فاعلی گروه سوم + جزو اول فعل مرکب

ترا بیدار کردم *biyâr-am kerd-a* / او را خبر کردم *xeber-am kerd-e*

۲. وند مفعولی + وند فاعلی گروه سوم + ستاک گذشته فعل متعدی

شماها را دیدیم *dit-me-n-i*

۳. وند مفعولی + وند فاعلی گروه سوم + ستاک گذشته فعل متعدی

او را زدم *zed-am-∅*

۴. وند مفعولی + وند فاعلی گروه سوم + ستاک صفت مفعولی

شما مرا دیده اید *dit-e-te-n-im*

#### ۳.۵.۲. وندهای مفعولی پیوسته‌ی گروه دوم

مفرد	جمع	شخص
-am	-me	اول
-et	-te	دوم
-eš/e:/š	-še	سوم

هر چند این وندها، شبیه وندهای فاعلی گروه سوم می‌باشند ولی از لحاظ زمان و جایگاه دستوری، نقش دستوری متفاوتی دارند. به عبارتی وندهای فوق در نقش مفعول غیر مستقیم با افعال متعدی، در زمان حال اخباری، التزامی و در جملات امری به کار برده می‌شوند. از لحاظ جایگاه دستوری، به دنبال پیشوند فعلی، ستاک حال فعل متعدی، پیش از شناسه‌های فاعلی گروه اول، بعد از ضمایر فاعلی گروه اول، مفعول و جزو پیشین فعل مرکب به کار برده می‌شوند:

۱. شناسه‌ی فاعلی گروه اول + وند مفعولی گروه دوم + ستاک حال فعل متعدی

تو مرا می‌آوری mare-m-a

۲. شناسه‌ی فاعلی گروه اول + ستاک حال فعل متعدی پیشوند فعلی + مفعول مستقیم + وند مفعولی گروه دوم +

ضمیر

فاعلی: من به تو گل می‌دهم me-t gol mi-d-am

۳. شناسه‌ی فاعلی گروه اول دوم شخص مفرد + ستاک حال فعل متعدی + وند مفعولی گروه دوم + مفعول

مستقیم

تو به من گل می‌دهی gol-am mi-d-a

۴. شناسه‌ی فاعلی گروه اول + ستاک حال فعل متعدی + وند مفعولی گروه دوم + پیشوند فعلی

به او می‌گویی mi-š-g-a

۵. شناسه‌ی فاعلی گروه اول + ستاک حال جزو دوم فعل متعدی + پیشوند فعلی + وند مفعولی گروه دوم + جزو

اول فعل

ترا سرگرم می‌کنم sergarm-et me-kon-am

۳.۶. پیشوندهای فعلی

در ساخت فعل گویش بهبهانی دو نوع پیشوند وجود دارد. یکی پیشوندهای صرفی و دیگر پیشوندهای قاموسی.

۱.۶.۳. پیشوندهای صرفی: این پیشوندها برای ساختن وجوه اخباری، حال التزامی، گذشته‌ی التزامی و وجه

امری پیش از ستاک فعل به کار برده می‌شوند و تغییری در معنای خود فعل نمی‌دهند. این پیشوندها عبارتند از:

الف ۱. [be/o] در صورتی که ستاک فعل حال التزامی با صامت شروع شده باشد، پیش از آن واقع می‌شود:

شاید بروند šâyad be-š-en

الف ۲. [bi] قبل از ستاک حال التزامی، در صورتی که ستاک فعل با مصوت آغاز شده باشد:

بیفتند bi-y-oftiy-en

ب ۱. [mi] این پیشوند پیش از ستاک گذشته‌ی فعل در تمام افعال گذشته‌ی استمراری و قبل از ستاک حال در

ساخت حال اخباری اگر ستاک فعل با مصوت آغاز شده باشد، نمود می‌یابد. همچنین این پیشوند، قبل از وندهای

مفعولی گروه دوم، وندهای فاعلی گروه سوم و یا صامت [š] به کار می‌رود.

مثال: می‌رفتم mi-rat-am / می‌آیم mi-y-am / آنرا می‌بندم mi-š-band-am

می‌آوردم mi-m âve / می‌روی mi-š-a

ب ۲. [me] این پیشوند در صورتی قبل از ستاک حال فعل در زمان حال اخباری به کار می‌رود که ستاک فعل با

صامت شروع شده باشد: می‌پوشم [me-puš-am]

ب. [ma] این پیشوند بر سر فعل امر قرار می‌گیرد و آن را به صورت " نهی " در می‌آورد: نکن ma-ko

ت ۱. [na/ne] بر سر ستاک افعال، پیشوندها و وندهای فاعلی گروه سوم و یا دیگر عناصر جمله که با صامت شروع

شده باشند، در می‌آید: نمی‌خواهم na-m mi / نمی‌گویم ne-mi-g-am

ت ۲. [ne:] قبل از ستاک‌های فعلی که با مصوت شروع شده باشند. مثال: گل نیاوردم gol-am ne:ve

ت ۳. [nay] قبل از تکواژ [-e] که وند فاعلی گروه سوم، سوم شخص مفرد می‌باشد، به کار می‌رود:

نداشت nay bi

ت ۴. [ni] جایگزین [he] در ستاک فعل " داشتن " یا [hes-an] می‌شود و آنرا منفی می‌سازد:

ندارم ni-s-am

۲.۶.۳. پیشوندهای اشتقاقی: این پیشوندها با تعداد معینی از افعال به کار می‌روند و برخلاف پیشوندهای

صرفی معنی فعل را تغییر می‌دهند:

الف. [vâ-] این پیشوند در ترکیبات زیر دیده می‌شود:



بازداشتن [vâ-dâštan] بازگشتن [vâ-gaštan] بازفرستادن [vâ-gardanidan]

ب. [var-] در ترکیبات زیر دیده می‌شود:

برداشتن [var-gerotan] برچیدن [vartsidan] ورافتادن [var-oftâdan] ورپریدن

[var-peresan]

پ. [vo-] این پیشوند در فعل "جستن" یا "پیدا کردن" دیده می‌شود:

vo-še dzur آنها را پیدا کن

ت. [ho-] پیشوند فوق فقط بر سر فعل "دادن" در شکل امری در می‌آید: به ما بده ho-me de

۳.۶.۳. رابطه پیشوندهای اشتقاقی و پیشوندهای صرفی: اگر فعل دارای پیشوند صرفی باشد، پیشوند

اشتقاقی قبل از پیشوند صرفی قرار می‌گیرد: ما او را برمی‌گردانیم vâ-š-me-gardan-im

۳.۷.۳. افعال معین: این افعال در گویش بهبهانی "بودن"، "داشتن" و "شدن" می‌باشند.

۳.۷.۱. "بودن": این فعل در دو مفهوم (وجود داشتن) و (داشتن) به کار برده می‌شود.

۳.۷.۱.۱. "بودن" در مفهوم "وجود داشتن": الف. این فعل در زمان حال اخباری در مفهوم "وجود داشتن"

دارای دو گونه‌ی مستقل و متصل می‌باشد، در صورتی که در نقش فعل ربطی، فقط به شکل متصل به کار برده می‌شود.

الف. ۱. وندهای متصل که در نقش ربطی به اسم، صفت یا قید اضافه می‌شوند، عبارتند از:

مفرد	جمع	شخص
-am	-im	اول
-a	-i	دوم
-∅	-en/endi	سوم

این وندها شبیه شناسه‌های فاعلی گروه اول می‌باشند. مثال: خوشحالم xošhâli-y-am

شکل منفی: اینجا نیستیم [ne-indze-n-am]

الف ۲. فعل بودن در گونه‌ی مستقل از ستاک حال [hes-] و شناسه‌های زیر ساخته می‌شود.

هستم hes-am / هستی hes-a / هست hes-e:

هستیم hes-im / هستید hes-i / هستند hes-en

برای منفی کردن صیغه‌های فوق، پیشوند نفی [ni-] جایگزین [he-] می‌شود: نیستیم ni-s-am

الف ۳. گونه‌ی دیگر، شکل متصل "بودن" وند [-di] می‌باشد که در معنای ربط، به صفت‌های ملکی اضافه می‌شود:

کتابم است ketâbe-men-di

ب- فعل بودن در زمان گذشته، در هر دو نقش "وجود داشتن" و "ربطی" به گونه‌ی زیر صرف می‌شود:

بودم bid-am / بودی bid-a / بود bi-∅ / بودیم bid-im / بودید bid-i / بودند bid-en

شکل منفی: نبودم ne-bid-am

پ- زمان حال التزامی "بودن" برای افعال لازم به شکل زیر است.

باشم b-am / باشی b-a / باشد b-u / باشیم b-im / باشید b-i / باشند b-en

شکل منفی: نرفته باشم na-rate b-am / نباشم ne-b-am

ت- زمان حال التزامی "بودن" برای افعال متعدی به شکل [bu] بیان می‌شود. آرایش دستوری آن به قرار زیر است:

bu + وندهای فاعلی پیوسته‌ی گروه سوم + صفت مفعولی مثال:

دیده باشم dite-m bu شکل منفی: ندیده باشم na-m dite bu

ث- زمان گذشته‌ی فعل "بودن" برای افعال لازم در زمان گذشته‌ی بعید به شکل زیر است.

صرف فعل بودن در زمان گذشته + صفت مفعولی مثال: آمده بودم amede bid-am

ج- گذشته ساده فعل "بودن" برای افعال متعدی در زمان گذشته کامل (بعید) به شکل زیر است:

bi + وندهای فاعلی پیوسته‌ی گروه سوم + صفت مفعولی

مثال: دیده بودیم *dite-me bi* ندیده بودیم *na-me dite bi*

چ- شکل صفت مفعولی "بودن" به عنوان فعل اصلی در زمان گذشته‌ی نقلی (به جدول د، صرف فعل "بودن" مراجعه شود).

ح- "بودن" در ساخت گذشته‌ی بعید به شکل زیر ساخته می‌شود:

صرف فعل بودن در زمان گذشته‌ی ساده + [ *vobid-e* ]

خ- شکل امر فعل بودن و شکل منفی آن بصورت زیر است:

نباش *na-ba* / باش *ba* / نباشید *na-bi* / باشید *bi*

د - جدول صرف فعل "بودن" در ساخت‌های حال اخباری، حال التزامی، گذشته ساده‌ی و حال کامل.

شخص - شمار	حال اخباری متصل	حال اخباری مستقل	حال التزامی	گذشته‌ی ساده	گذشته‌ی نقلی
۱. مفرد	-am	hes-am	b-am	bid-am	bid-i-yam
۲. مفرد	-a	hes-a	b-a	bid-a	bid-i-ya
۳. مفرد	-∅	hes-e:	b-u	bi-∅	bid-e-∅
۱. جمع	-im	hes-im	b-im	bid-im	bid-e-yim
۲. جمع	-i	hes-i	b-i	bid-i	bid-e-yi
۳. جمع	-en(di)	hes-en	b-en	bid-en	bid-i-yen(di)

۱. ۲. ۳. "بودن" در مفهوم "داشتن": بودن در این معنا، فعل معین به شمار نمی‌آید و برای ملکیت استفاده

می‌شود. این فعل، متعدی محسوب می‌شود ولی بر خلاف دیگر فعل‌های متعدی، در صرف آن در زمان حال اخباری از قواعد افعال متعدی در ساخت زمان گذشته (نگا. ۱-۱۰-۲) پیروی می‌کند. الگوهای کاربرد آن به گونه‌های زیر است:

الف. در صرف آن به شکل منفرد، شناسه‌های فاعلی گروه دوم به ستاک [hes-] اضافه می‌شوند:

دارم *hes-am* / داری *hes-et* / دارد *hes-e:*

داریم *hes-mâ* / دارید *hes-tâ* / دارند *hes-šâ*

در شکل منفی، [ni-] جایگزین [he-] می‌شود: ندارم *ni-s-am*

همراه با ضمائر فاعلی جدا گروه دوم: *mem ketâb hesi/he*

دارم کتاب من

ب. همراه با وندهای فاعلی گروه سوم (در صورت نبود ضمائر فاعلی جدا):

ستاک حال فعل + وند فاعلی گروه سوم + مفعول مستقیم

کتاب دارم *ketâb-am he*

در شکل منفی [ni-] جایگزین [he] می‌شود: کتاب ندارم *ketâb-am ni*

پ. در زمان گذشته‌ی ساده، به شکل [bi] تظاهر می‌یابد:

من کتاب داشتم *mem ketâb bi* کتاب داشتم *ketâb-am bi*

شکل منفی: *mem ketâb ne- bi* کتاب نداشتم *ketâb-am ne-bi*

ت. صرف شکل فعل به تنهایی در زمان گذشته‌ی ساده:

شناسه‌های فاعلی گروه دوم + *bi* مثال:

داشتم *bid-am* / داشتی *bid-et* / داشت: *bid-e:*

داشتیم *bi-mâ* / داشتید *bi-tâ* / داشتند *bi-šâ*

شکل منفی: *bi* + وندهای فاعلی پیوسته‌ی گروه سوم + *na* مثال: نداشتمند *na-še bi*

ث. صرف این فعل در شکل مثبت و تنها در زمان گذشته‌ی نقلی:

شناسه‌های فاعلی گروه چهارم + صفت مفعولی داشتن

داشته‌ام *bid-e-men* / داشته ای *bid-e-ten* / داشته است *bid-e-šen*

داشته‌ایم *bid-e-mâ* / داشته اید *bid-e-tâ* / داشته‌اند *bid-e-šâ*

کاربرد این فعل در زمان گذشته نقلی با دیگر عناصر جمله: گل داشته ام *gol-am bid-e*

همچنین وندهای فاعلی پیوسته‌ی گروه سوم می‌توانند به نشانه‌ی منفی اضافه شوند:

نداشته‌ایم *na-me bid-e*

ج. فعل داشتن، به عنوان "جنبه استمراری" در گروه فعلی نمود ندارد. مثال:

(داشتم) می‌رفتم *mi-rat-am*

برای بیان این منظور، در گویش بهبهانی از صرف فعل اصلی در زمان حال اخباری و یا از فعل معین خواستن

[mit] استفاده می‌شود. مثال: دارم می‌روم یا می‌خواهم بروم *mit-am be-š-am*

برای بیان "جنبه استمراری" در زمان گذشته استمراری، از شکل گذشته استمراری فعل اصلی و یا گذشته فعل

کمکی [mit] استفاده می‌شود. مثال:

می‌خواستم بروم یا داشتم می‌رفتم *mi-m xâs be-š-am*

ج. فعل "داشتن" در زمان حال التزامی، به شکل منفرد، به گونه‌ی زیر صرف می‌شود:

شناسه فاعلی گروه دوم + *bu(t)*

داشته باشم *but-am* / داشته باشی *but-et* / داشته باشد *but-e*

داشته باشیم *bu-mâ* / داشته باشید *bu-tâ* / داشته باشند *bu-šâ*

صامت پایانی [-t] در صیغه‌های جمع حذف می‌گردد. شکل منفی: نداشته باشم *na-m bu*

ج. فعل "داشتن" در شکل امر: داشته باش *but-et* / داشته باشید *bu-tâ*

نداشته باش *na-t bu*

۲. ۷. ۳. فعل "شدن"

۱. ۲. ۷. ۳. "شدن": به عنوان فعل معین، در افعال مجهول، با توجه به زمان و وجه آنها نمود می‌یابد و چون فعل

لازم است، با شناسه‌های فاعلی گروه اول صرف می‌شود. صرف فعل "شدن" در زمان‌های مختلف، در جدول زیر ارائه

شده است.

شخص / شمار	حال اخباری	حال التزامی	گذشته ساده	گذشته استمراری	گذشته نقلی	گذشته بعید	گذشته التزامی
۱. مفرد	vomb-am	vob-am	vobid-am	vombid-am	vobid-i-yam	vobid-e bid-am	vobid-e bam
۲. مفرد	vomb-a	vob-a	vobid-a	vombid-a	vobid-i-ya	vobid-e bid-a	vobid-e ba
۳. مفرد	vomb-u	vob-u	vobi-ø	vombi-ø	vobid-e-ø	vobid-e bi-ø	vobid-e bu
۱. جمع	vomb-im	vob-im	vobid-im	vombid-im	vobid-e-yim	vobid-e bid-im	vobid-e bim
۲. جمع	vomb-i	vob-i	vobid-i	vombid-i	vobid-e-y-i	vobid-e bid-i	vobid-e bi
۳. جمع	vomb-en	vob-en	vobid-en	vombid-en	vobid-i-yen	vobid-e bid-en	vobid-e ben

در شکل منفی، در کلیه‌ی ساخت‌های دستوری وند نفی [na/ne] قبل از ستاک این فعل، واقع می‌شود:

نمی‌شود *na-vomb-u* نمی‌شد *na-vombi* نشد *ne-vobi*

نشده است *na-vobid-e* نشده بود *na-vobide bi* نشده باشد *na-vob-u*

۲. ۷. ۳. "شدن" به عنوان فعل اصلی: دور شو *dira ba* دیر شد *diro bi*

۸. ۳. افعال "شبه معین"

این افعال از مصدرهای "توانستن" و "خواستن" گرفته شده‌اند و قبل از فعل دیگری می‌آیند و نظر گوینده را درباره‌ی

آن فعل بیان می‌کنند. فعلی که بعد از افعال شبه معین می‌آید از وجه التزامی است.

۱. ۸. ۳. "خواستن": فعل خواستن یا [mi(t)] دارای ویژگی‌های دستوری ویژه‌ای می‌باشد. این فعل برخلاف

فعل‌های متعدی، در زمان حال اخباری یا آینده، دارای الگوی دستوری مشابه با افعال متعدی در زمان‌های گذشته است (نگا. ۱-۱۰-۲) و با وندهای فاعلی گروه سوم صرف می‌شود:

	صرف فعل رفتن در زمان حال اخباری + وند فاعلی گروه سوم + [mi(t)]		
mi-me be-š-im	می‌خواهیم برویم	mit-am be-š-am	می‌خواهم بروم
mi-te be-š-i;	می‌خواهید بروید	mit-et be-š-a	می‌خواهی بروی
mi-še be-š-en	می‌خواهند بروند	mit-e: be-š-u	می‌خواهد برود

در صیغه‌های جمع، صامت پایانی [t] حذف می‌شود.

شکل منفی دارای دو صورت است:

در شکل اول، تکواژ نفی [na] جایگزین پیشوند [be] در فعل اصلی می‌شود:

mi-t-am na-š-am نمی‌خواهم بروم

در شکل دوم، تکواژ نفی پیش از وند فاعلی گروه سوم به کار می‌رود:

na-m mi be-š-am نمی‌خواهم بروم

الف. "خواستن" در شکل امر: [bi] + پیشوند فعلی

ketâb-et be-bi کتابات را بخواه

ketâbâ-te be-bi کتاب‌هایتان را بخواید

ب. "خواستن" در زمان حال التزامی

این فعل به شکل زیر صرف می‌شود: bi + وند فاعلی گروه سوم + be

بخواید be-š/-be

پ. فعل "خواستن" در زمان گذشته‌ی ساده (در شکل مثبت و منفرد):

شناسه‌ی فاعلی گروه دوم + xâs

خواستم xâs-am خواستید xâs-tâ

ت. در ترکیب با فعل‌های اصلی: (تو) خواستی بروی xâs-et be-š-a یا tet xâs be-š-a

ث. در زمان گذشته‌ی استمراری: صرف حال التزامی فعل + xâs + وند فاعلی گروه سوم + پیشوند mi

mi-m xâs be-š-am

حذف وند فاعلی پیوسته در صورت نمود ضمائر فاعلی جدا گروه دوم:

من می‌خواستم بروم mem mi-xâs be-š-am

در صورت نبود ضمائر فاعلی جدا، وندهای فاعلی پیوسته، بعد از ستاک حال فعل خواستن صرف می‌شوند:

mi-xâs-am be-š-am

ج. خواستن در زمان گذشته‌ی نقلی به شکل مثبت و منفرد:

شناسه‌های فاعلی گروه چهارم + صفت مفعولی خواستن

خواستم ایم xâs-e-mâ / خواسته ام xâs-e-men(di)

شکل منفی: صفت مفعولی خواستن + وند فاعلی گروه سوم + na

نخواستم ام na-m xâs-e

۲. ۸. ۳. فعل شبه معین "توانستن"

الف- این فعل برخلاف فعل خواستن، در زمان حال (مطابق با الگوی اول) با شناسه‌های فاعلی گروه اول صرف

می‌شود: شناسه‌های فاعلی گروه اول + tu + پیشوند فعلی me

می‌توانم me-tu-n-am می‌توانیم me-tu-n-im

می توانی me-tu-n-a می توانید me-tu-n-i  
می تواند mi-tu-∅ می توانیم me-tu-n-en  
می توانند بروند me-tu-n-en be-š-en

ب. توانستن در زمان گذشته‌ی ساده (در شکل منفرد و مثبت):

شناسه‌های فاعلی گروه دوم + tun-es  
توانستم tun-ess-am توانستیم tun-es- mâ  
توانستی tun-ess-et توانستید tun-es- tâ  
توانست tun-ess-e: توانستید tun-es- š â

شکل منفی: tun-ess + وند فاعلی گروه سوم + na

نتوانستم na-m tun-es

پ. توانستن در زمان گذشته، همراه با فعل اصلی

شناسه‌های فاعلی گروه اول + ستاک حال فعل + be- + وندهای فاعلی گروه سوم + tun-es  
توانستید بروید tun-es- te be-š-i

شکل منفی: صرف فعل حال التزامی + tun-es + وند فاعلی گروه سوم + na

نتوانستید بروید na-te tun-es be- š-i

ت. توانستن در زمان حال التزامی

شناسه‌های فاعلی گروه اول + ستاک حال فعل + be- + شناسه‌های فاعلی گروه اول + tun + be  
شاید بتوانم بروم šâyad be-tun-am be-š-am

شکل منفی: šâyad na-tun-am be-š-am

ث. توانستن در زمان گذشته‌ی نقلی:

شناسه‌های فاعلی گروه چهارم + tun-ess-e + مثال: توانسته ام tun-ess-e men

شکل منفی: tun-ess-e + وند فاعلی گروه سوم + na

نتوانسته ام na-m tun-ess-e

ج. توانستن در زمان گذشته‌ی استمراری:

شناسه‌های فاعلی گروه اول + ستاک حال فعل + be- + tun-es + وندهای فاعلی گروه سوم + mi  
می توانستی بروی mi-t tun-es be-š-a

شکل منفی: na-t mi-tun-es be-š-a

چ. توانستن در زمان گذشته‌ی التزامی:

bu + وندهای فاعلی گروه سوم + ستاک مفعولی توانستن tun-es- e

مثال: توانسته باشیم tunes-e-me bu

شکل منفی: tunes-e + bu + وند فاعلی گروه سوم + na

نتوانسته باشیم tun-ess-e bu na-me-

ح. توانستن در زمان گذشته‌ی بعید:

bi + وندهای فاعلی گروه سوم + ستاک مفعولی توانستن

توانسته بودیم tun-es-e-me bi

شکل منفی: tun-es-e + bi + وند فاعلی گروه سوم + na

نتوانسته بودیم na-me-tun-es-e bi

۳.۹. ساختمان مصدر فعل و ساخت سببی

۳.۹.۱. مصدر فعل در گویش بهبهانی از ترکیب ستاک گذشته‌ی فعل و وندهای [-an] و گونه‌ی دیگر آن [-en]

ساخته می‌شود:

آمدن  $amed + en$  برخاستن  $pobid + an$

۲.۹.۳. ساخت سببی فعل: فرمول ساخت سببی فعل در زمانهای حال و گذشته به گونه‌های زیر است:

الف: فرمول ساخت زمان حال:

شناسه‌های فاعلی گروه اول + تکواژهای سببی ساز  $[un/an/en]$  + ستاک حال غیر سببی

مثال: او را می‌ترسانم  $mi-\check{s}-ters-an-am$  ترا می‌رسانم  $mi-t-ras-un-am$

ب: فرمول ساخت زمان گذشته:

شناسه‌های فاعلی گروه دوم + نشانه‌های گذشته ساز  $[d/id]$  + تکواژهای سببی ساز  $[on/an]$  + ستاک حال غیر

سببی

در این فرمول تکواژ  $[-on]$  با نشانه  $[-d]$  و تکواژ  $[-an]$  با نشانه  $[-id]$  همایی دارد. مثال:

پوشاندم  $pu\check{s}-on-d-am$  او را ترساندم  $u-m\check{s}-ters-en-id$

البته این افعال متعدی شده از الگوی نحوی افعال متعدی در زمان گذشته، تبعیت می‌کنند.

### ۳.۱۰. ساختار نحوی گروه‌های فعلی

هرچند جدول‌های ۲-۱ و ۲-۲ آرایش ساختاری افعال را در ساخت‌های دستوری حال و گذشته نمایش می‌دهند،

با این حال ذکر آرایش ساختاری زمان‌های دستوری افعال، لازم به نظر می‌رسد. با توجه به عامل زمان و لازم یا متعدی

افعال، دو الگوی متفاوت برای آرایش افعال وجود دارد. الگوی اول شامل افعال لازم و متعدی در ساخت‌های حال

اخباری، حال التزامی و افعال لازم در ساخت‌های گذشته است. الگوی دوم شامل افعال متعدی در ساخت‌های گذشته

می‌باشد.

۳.۱۰.۱. الگوی اول: افعال این گروه از ویژگیهای مشترکی برخوردارند. شناسه‌های فاعلی گروه اول به پایان

ستاک‌های این افعال اضافه می‌شوند و از لحاظ دستوری، با ضمایر فاعلی جدا گروه اول به کار می‌روند. در شکل منفی،

وند نفی بر سر ستاک فعل یا پیشوندهای فعلی در می‌آید. در افعال متعدی، وندهای مفعولی گروه دوم می‌توانند به

دنبال پیشوندهای فعلی به کار روند. بنابراین در ابتدا، به بررسی زمان‌های دستوری در افعال منطبق با الگوی اول

می‌پردازیم.

#### ۳.۱۰.۱.۱. افعال لازم و متعدی در ساخت‌های حال و افعال لازم در ساخت‌های گذشته

الف. زمان آینده‌ی ساده

فرمول ساختمانی آینده‌ی ساده در افعال لازم و متعدی یکسان است.

شناسه‌های فاعلی گروه اول + وجه التزامی فعل + وندهای فاعلی گروه سوم +  $[mi(t)]$

می‌خواهم بینم  $mit-am\ be-bin-am$  / می‌خواهم نبینم  $mit-am\ na-bin-am$

نکته: برای بیان زمان آینده، از فعل شبه معین  $[mi(t)]$  استفاده می‌شود. هرچند این فعل از لحاظ نحوی از

الگوی افعال متعدی در زمان گذشته تبعیت می‌کند، اما به دلیل اینکه فعل اصلی بعد از آن، (مطابق با الگوی اول) با

شناسه‌های فعلی گروه اول به کار می‌رود، در این الگودر نظر گرفته شده است (نگا. ۱-۸-۱).

ب. زمان حال اخباری

ساختار زمان حال اخباری در افعال لازم و متعدی یکسان است. این ساخت دارای آرایش زیر است:

شناسه‌های گروه اول + ستاک حال +  $me / mi$

می‌بینم  $me-bin-am$  در شکل منفی، تکواژ نفی  $[na]$  پیش از پیشوند فعلی ظاهر می‌شود:

نمی‌بینم  $na-me-bin-am$

ترا می‌بینم  $mi-t-bin-am$  ترا نمی‌بینم  $na-t-me\ bin-am$

پ. ساختار زمان حال التزامی در افعال لازم و متعدی:

شناسه‌های فاعلی گروه اول + ستاک حال +  $(be)$

بزنم *be-zen-am* / برخیزم *pob-am* / نزنید *ne-zen-i* / بلند نشو *na-pob-a*

ت. ساختار زمان گذشته‌ی ساده در افعال لازم: شناسه‌های فاعلی گروه اول + ستاک گذشته

ایستادم *ve:sâd-am* نایستادم *na-ve:sâd-am*

ث. ساختار زمان گذشته‌ی استمراری در افعال لازم: شناسه‌های فاعلی گروه اول + ستاک گذشته + *mi*

می‌رفتم *mi-rat-im* نمی‌رفتم *ne-mi-rat-am*

ج. ساختار زمان گذشته‌ی نقلی در افعال لازم: شناسه‌های فاعلی گروه اول + ستاک صفت مفعولی

رسیده‌ام *res-es-i-yam* نرسیده‌ام *na-res-es-i-yam*

چ. ساختار زمان گذشته‌ی بعید در افعال لازم: شناسه‌های فاعلی گروه اول + *bid* + ستاک مفعولی

رفته بودم *rat-e bid-am* نرفته بودم *na-rat-e bid-am*

ح. ساختار زمان گذشته‌ی التزامی در افعال لازم: شناسه‌های فاعلی گروه اول + *b* + ستاک مفعولی

در این ساختار [*b*]، ستاک حال التزامی فعل "بودن" می‌باشد.

رفته باشم *rat-e b-am* نرفته باشم *ne-rat-e b-am*

خ. ساختار زمان فعل امر در افعال لازم و متعدی: شناسه فعل امر + ستاک حال فعل *be+*

فعل امر دوم شخص مفرد: برو *be-r-a* فعل امر دوم شخص جمع: بروید *be-š-i*

شکل منفی: نرو *ne-ra* نروید *ne-š-i*

الگوی دوم: این الگو، برخی ویژگی‌های دستوری فعل‌های متعدی را در ساخت گذشته‌ی ساده، گذشته‌ی نقلی، گذشته‌ی استمراری، گذشته‌ی بعید و گذشته‌ی التزامی در ارتباط با شناسه‌های فاعلی، وندهای شخصی و ضمائر فاعلی جدا نشان می‌دهد:

الف. شناسه‌های فاعلی: فقط دو دسته شناسه فاعلی در ساخت‌های گذشته‌ی افعال متعدی به کار می‌رود.

شرط نمود این شناسه‌ها، صرف فعل در حالت منفرد و مثبت می‌باشد. شناسه‌های فاعلی گروه دوم (۱-۳-۲) در ساخت گذشته‌ی ساده و شناسه‌های فاعلی گروه چهارم (۱-۳-۴) در ساخت ماضی نقلی به کار می‌روند:

شناسه‌ی فاعلی گروه دوم + ستاک گذشته‌ی فعل مثال: آوردیم *â vor-mâ*

شناسه‌ی فاعلی گروه چهارم + ستاک صفت مفعولی مثال: آورده‌ام *â vorde-men*

ب. در صورت ذکر ضمیر فاعلی جدا، این افعال فقط با ضمائر فاعلی جدا گروه دوم (۱-۲-۲) به کار می‌روند:

تو گل آوردی *tet gol â ve* من گل آورده‌ام *â gol mem vord-e*

پ. در صورت عدم حضور شناسه‌های فاعلی و ضمائر فاعلی جدا گروه دوم (نگا. ۱-۲-۲) در جمله، فقط وندهای فاعلی گروه سوم به کار (۱-۳-۳) می‌روند و فعل نیز در شکل ستاک گذشته یا مفعولی ظاهر می‌گردد:

*a-u-m zed-e*

زده + وند فاعلی اول شخص مفرد + به او

ت. ضمیر فاعلی جدا، شناسه‌ها و وندهای فاعلی نسبت به هم در توزیع تکمیلی قرار می‌گیرند. به عبارتی وقوع یکی از آنها با عدم نمود دو عنصر دستوری دیگر همراه است:

*xerid-e-m bi / âvor-mâ / â tet gol vord-e*

آورده‌ای گل تو / ایم + آورد / بود + وند فاعلی (من) + صفت مفعولی (خریده)

نکته: افعال زیر از جمله بودن (به معنای داشتن) در زمان گذشته و گذشته نقلی، فعل معین خواستن

[*mi(t)*] گریستن [*gereyidan*]، ترسیدن [*tersesan*] و توانستن [*tunesan*]، از این الگو پیروی می‌کنند.

۱. ۱۰. ۳. فرمول ساختمانی افعال متعدی در ساخت‌های گذشته و گذشته‌ی نقلی به قرار زیر است:

الف. گذشته‌ی ساده

۱. صرف فعل به شکل منفرد و مثبت:

شناسه‌های فاعلی گروه دوم + ستاک گذشته

âvord-am	آوردم	âvor-mâ	آوردیم
âvord-et	آوردی	âvor-tâ	آوردید
âvord-e:	آورد	âvor-šâ	آوردند

۲. صرف فعل به شکل منفرد و منفی: ستاک گذشته فعل + وندهای فاعلی گروه سوم + na

مثال: nâ-m âve نیاوردم

۳. صرف فعل با دیگر عناصر جمله: در این شکل وندهای فاعلی گروه سوم در پایان عناصر دیگر جمله نمود یافته و پیشوند نفی، پیش از ستاک گذشته فعل ظاهر می‌شود:

گل آوردم gol-am âve / گل نیاوردم gol-am ne:ve

ب. گذشته‌ی استمراری

۱. صرف فعل به شکل منفرد و مثبت: ستاک گذشته فعل + وندهای فاعلی گروه سوم + mi

می‌خریدم mi-m esse

۲. صرف فعل به شکل منفرد و منفی: ستاک گذشته + mi + وندهای فاعلی گروه سوم + na

نمی‌خریدم na-m-mi-esse

۳. صرف فعل با دیگر عناصر جمله:

وندهای فاعلی گروه سوم در پایان عناصر غیرفعلی دیگر و وند نفی پیش از پیشوند [mi-] ظاهر می‌شوند.

گل نمی‌خریدم gol-am ne-mi-esse / گل می‌خریدم gol-am mi-esse

پ. گذشته‌ی نقلی:

۱. صرف فعل به شکل منفرد و مثبت:

شناسه‌های فاعلی گروه چهارم + ستاک صفت مفعولی

زده ایم zed-e-mâ / زده ام zed-e-men

زده اید zed-e-tâ / زده ای zed-e-ten

زده‌اند zed-e-šâ / زده است zed-e-šen

۲. صرف فعل به شکل منفرد و منفی:

ستاک مفعولی + وندهای فاعلی گروه سوم + na مثال: نزده ام na-m zed-e

۳. صرف فعل با دیگر عناصر جمله:

به او زده ام a-u-m zed-e / به او نزده ام a-u-m ne-zed-e

ت. گذشته‌ی کامل

۱. صرف فعل به شکل منفرد و مثبت:

bi + وندهای فاعلی گروه سوم + ستاک صفت مفعولی

خریده بودیم xerid-e-me bi / خریدم xerid-e-m bi

خریده بودید xerid-e-te bi / خریدی xerid-e-t bi

خریده بودند xerid-e-še bi / خرید بود xerid-e-š bi

۲. صرف فعل به شکل منفرد و منفی:

bi + ستاک صفت مفعولی + وندهای فاعلی گروه سوم + na مثال:

نخریده بودم na-m xerid-e bi

۳. صرف فعل با دیگر عناصر جمله:

گل خریدم بودم gol-am xerid-e bi / گل نخریده بودم gol-am na-xerid-e bi

ث. گذشته‌ی التزامی:

۱. صرف فعل به شکل منفرد و مثبت



bu + وندهای فاعلی گروه سوم + ستاک صفت مفعولی

dit-e-m bu	دیده باشم	dit-e-me bu	دیده باشیم
dit-et bu	دیده باشی	dit-e-te bu	دیده باشید
dit-eš bu	دیده باشد	dit-e-še bu	دیده باشند

۲. صرف فعل به شکل منفرد و منفی

bu + ستاک صفت مفعولی + وندهای فاعلی گروه سوم + na مثال : ندیده باشم na-m dit-e bu

۳. صرف فعل با دیگر عناصر جمله

شاید کلید را دیده باشم šâyad kelid-am dit-e bu  
من شاید کلید را ندیده باشم mem šâyad kelid na-dit-e bu

۱۱. ۳. ساختار فعل امر

فعل امر از ترکیب پیشوند [be] و ستاک حال فعل ساخته می‌شود:

بخر be-xer / بخیرید be-xer-i / نخر ne-xer / نخرید ne-xer-i

۱۲. ۳. ساختار فعل مجهول

الف. ساختار حال اخباری مجهول: فعل "شدن" در زمان حال اخباری + صفت مفعولی

dit-e vomb-am	دیده می‌شوم	dit-e vomb-im	دیده می‌شویم
dit-e vomb-a	دیده می‌شوی	dit-e vomb-i	دیده می‌شوید
dit-e vomb-u	دیده می‌شود	dit-e vomb-en	دیده می‌شوند
		dit-e ne-vomb-u	دیده نمی‌شود

ب. فرمول ساختمانی زمان آینده مجهول

هرچند که برای ساخت آینده، از زمان حال اخباری استفاده می‌شود، اما از شکل حال اخباری فعل شبه معین "خواستن"، یعنی [mi(t)]، برای این منظور نیز استفاده می‌شود.

حال التزامی فعل "شدن" + صفت مفعولی + وندهای فاعلی گروه سوم + [mi(t)]

mit-am dit-e vob-am	می‌خواهم دیده شوم	mi-me dit-e vob-im	می‌خواهیم دیده شویم
mit-et dit-e vob-a	می‌خواهی دیده شوی	mi-te dit-e vob-i	می‌خواهید دیده شوید
mit-e: dit-e vob-u	می‌خواهد دیده شود	mi-še dit-e vob-en	می‌خواهند دیده شوند
		mit-am dit-e na-vob-am	می‌خواهم دیده نشوم

ب. فرمول ساختمانی گذشته ساده مجهول

صرف فعل "شدن" در زمان گذشته ساده + صفت مفعولی

dit-e vobid-am	دیده شدم	dit-e vobid-im	دیده شدیم
dit-e vobid-a	دیده شدی	dit-e vobid-i	دیده شدید
dit-e vobi-∅	دیده شد	dit-e void-en	دیده شدند
		dit-e ne-vob-i-∅	دیده نشد

ت. ساختار ماضی نقلی مجهول

صرف فعل "شدن" در زمان گذشته نقلی + صفت مفعولی

dit-e vobid-i -yam	دیده شده ام	dit-e vobid-e-yim	دیده شده ایم
dit-e vobid-i -ya	دیده شده ای	dit-e vobid-e-yi	دیده شده اید
dit-e vobid-e	دیده شده است	dit-e vobid-i -yen	دیده شده اند
		dit-e ne-vobid-e	دیده نشده است

ث. ساختار حال التزامی مجهول

	صرف فعل "شدن" در زمان حال التزامی + صفت مفعولی		
dit-e vob-am	دیده شوم	dit-e vob-im	دیده شویم
dit-e vob-a	دیده شوی	dit-e vob-i	دیده شوید
dit-e vob-u	دیده شود	dit-e vob-en	دیده شوند
		dit-e na-vob-u	دیده نشود

ج. ساختار مجهول گذشته‌ی استمراری

	صرف فعل "شدن" در زمان گذشته استمراری + صفت مفعولی		
dit-e vombid-am	دیده می‌شدم	dit-e vombid-im	دیده می‌شدیم
dit-e vombid-a	دیده می‌شدی	dit-e vombid-i	دیده می‌شدید
dit-e vombi-ø	دیده می‌شد	dit-e vombid-en	دیده می‌شدند
		dit-e na-vombi-ø	دیده نمی‌شد

چ. ساختار مجهول گذشته‌ی التزامی

	صرف حال التزامی فعل "بودن" + صفت مفعولی "شدن" + صفت مفعولی فعل اصلی		
dit-e vobid-e b-am	دیده شده باشم	dit-e vobid-e b-im	دیده شده باشیم
dit-e vobid-e b-a	دیده شده باشی	dit-e vobid-e b-i	دیده شده باشید
dit-e vobid-e b-u	دیده شده باشد	dit-e vobid-e b-en	دیده شده باشند
		dit-e na-vobid-e b-u	دیده نشده باشد

ح. ساختار مجهول گذشته‌ی بعید

	صرف فعل "بودن" در زمان گذشته‌ی ساده + صفت مفعولی "شدن" + صفت مفعولی فعل اصلی		
dit-e vobid-e bid-am	دیده شده بودم	dit-e vobid-e bid-im	دیده شده بودیم
dit-e vobid-e bid-a	دیده شده بودی	dit-e vobid-e bid-i	دیده شده بودید
dit-e vobid-e bi-ø	دیده شده بود	dit-e vobid-e bid-en	دیده شده بودند
		dit-e na-vobid-e bi-ø	دیده نشده بود

جدول آرایش عناصر فعلی، شناسه و وندهای شخصی در گروه فعل‌های بسیط معلوم، لازم و متعدی (الگوی اول).

در این جدول ش، نشانه‌ی شخص، مف، مفعولی، گ، گروه و فا، نشانه‌ی فاعلی می‌باشند.

شناسه‌ی فعلی	ستاک فعل	وند ش. <sup>۲</sup>	پیشوند فعل	وند ش. <sup>۱</sup>	پیشوند نفی	نوع فعل	زمان دستوری
گ. اول	ستاک حال	-	me/mj	-	(ne)	لازم	حال اخباری
گ. اول	ستاک حال	وند مف گ. ۲	me/mi	-	-	متعدی	حال اخباری
گ. اول	ستاک حال	-	-	وند مف. گ. ۲	ne	متعدی	حال اخباری
گ. اول	ستاک حال	-	(be)	-	(na/ne)	لازم	حال التزامی
گ. اول	ستاک حال	وند مف. گ. ۲	be	-	-	متعدی	حال التزامی
گ. اول	ستاک حال	-	-	وند مف. گ. ۲	na	متعدی	حال التزامی
گ. اول	ستاک مف.	-	-	-	(na/ne)	لازم	گذشته‌ی نقلی
گ. اول	ستاک گذشته	-	-	-	(na/ne)	لازم	گذشته‌ی ساده
گ. اول	ستاک گذشته	-	mi	-	(ne)	لازم	گذشته استمراری

جدول آرایش عناصر فعلی، شناسه و وندهای شخصی در گروه فعل‌های بسیط متعدی در ساخت‌های گذشته (الگوی اول).

دوم). در این جدول گ نشانهای گروه، ش شخص، فا. فاعلی و مف. نشانه‌ی مفعولی می‌باشند.

زمان دستوری	پیشوند نفی	وند ش. ۱	پیشوند فعلی	وند ش. ۲	ستاک فعل	وند ش. ۳ یا شناسه	وند ش. ۴
گذشته ساده	na	وند فا. گ ۳	-	-	ستاک گذشته	-	-
گذشته ساده	-	-	-	-	ستاک گذشته	شناسه گ ۲	-
گذشته ساده	-	-	-	-	ستاک گذشته	وند فا. گ ۳	وند مف. گ ۱
گذشته ساده	na	وند فا. گ ۳	-	-	ستاک گذشته	وند مف. گ ۱	-
گذشته نقلی	na	وند فا. گ ۳	-	-	ستاک مف.	-	وند مف. گ ۱
گذشته نقلی	-	-	-	-	ستاک مف.	وند فا. گ ۳	وند مف. گ ۱
گذشته نقلی	-	-	-	-	ستاک مف.	شناسه گ ۴	-
گذشته استمراری	na	وند فا. گ ۳	mi	-	ستاک گذشته	-	وند مف. گ ۱
گذشته استمراری	-	-	mi	وند فا. گ ۳	ستاک گذشته	وند مف. گ ۱	-

### یادداشت‌ها

۱. آمارنامه استان خوزستان، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خوزستان ۱۳۷۹.
۲. درباره‌ی ویژگی ارگتیو، مراجعه شود به مقاله‌ی ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، ایران کلباسی، مجله زبان‌شناسی سال پنجم، شماره دوم ۱۳۶۷.
۳. نگا. همان مقاله ص. ۷۱.

### منابع

- آمارنامه استان خوزستان. (۱۳۷۹). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خوزستان.  
 ثمره، یداله. (۱۳۶۴). آواشناسی زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.  
 سامارین، ویلیام. زبان‌شناسی عملی، راهنمای بررسی گویش‌ها، ترجمه لطیف عطاری، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.  
 کلباسی، ایران. (۱۳۷۱). ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.  
 کلباسی، ایران. (۱۳۶۷). ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی، مجله زبان‌شناسی، ۵ (۲)، ۸۷ - ۷۰.